

منابع تعلیمی و حسی علم ائمه (ع)

نصیر المهدی مجیدی*

چکیده

امامت و جانشینی پیامبر(ص) از مباحث قدیمی در تاریخ اسلام می باشد که جنبه های مختلف تاریخی و کلامی را در بر می گیرد. در نگاه شیعه امامت از اصول اعتقادی به شمار می رود، یکی از ویژگی های ضروری امام، علم و آگاهی نسبت به تمام معارف دینی و نیازهای مردم و آنچه در اداره جوامع انسانی لازم است، می باشد زیرا که بدون علم، مسئولیت امامت و هدایت جامعه هرگز به انجام نمی رسد، مکتب تشیع با توجه به نقش امام پس از رسول الله(ص)، که نقش هدایتی گسترده ای است و از ظاهر تا باطن جامعه و افراد آن را در بر می گیرد، امام را دارای آگاهی از منابع عظیم الهی دانسته، دانش او را فراتر از علم عادی و دارای مجاری و مبادی الهی و غیرطبیعی برمی شمرد.

یافته های تحقیق حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و جمع آوری کتابخانه ای مطالب صورت گرفته حاکی از آن می باشد که روایات فراوانی در باب منابع علم امام وارد شده است و نشان می دهد ائمه (ع) از چنین علم خاصی برخوردار بودند از جمله منابع حسی و تعلیمی ائمه (ع) می توان به قرآن مجید، علم پیامبر، جفر و جامعه، علم به کتب انبیاء پیشین، فرشتگان، پیشوای پیشین، صحیفه حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) اشاره نمود.

واژگان کلیدی: امام، علم، منابع علم امام، جفر و جامعه، مصحف حضرت علی(ع)



مقدمه

مسئله علم ائمه از دیر باز مورد توجه بوده است به طوری که این بحث از مباحث بحث برانگیز در شرایط و صفات امام بوده و می باشد و از دیرباز مفسران و محدثان و متکلمان اسلامی در باره آن به بحث و بررسی پرداخته اند از شبهاتی که معاندان علیه شیعه مطرح می نمایند مسئله علم امام است به ویژه در مورد محدوده و منابع علم امام که سوالات و شبهات زیادی را مطرح نموده اند لهذا جای دارد تحقیق جامعی با توجه به روایات در مورد علم ائمه صورت گیرد و منابع و محدوده آن با توجه به روایات بررسی گردد.

برخی از منابع تعلیمی و حسی علم ائمه عبارتند از قرآن مجید، علم پیامبر (ص)، جفر و جامعه، کتب آسمانی پیشین، صحیفه مخصوص هر امام، مصحف امام علی (ع) و مصحف حضرت زهرا (س)

۱. قرآن مجید

قرآن مجید با توجه به روایات وارده، از منابع علم ائمه می باشد. (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۲۶، ص ۵۶) رسول اکرم (ص) و حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان تنها مفسران آگاه به همه معانی و معارف قرآن بوده اند.

و روایات وارده از ایشان بر گرفته از مبانی قرآن مجید می باشد. برخی از روایات دال بر این مطلب عبارتند از:

شیخ کلینی در کافی از امام صادق (ع) نقل می کند: «أَنَّهُ قَالَ مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدْعِيَ أَنْ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَ بَاطِنِهِ غَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ» (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۸۶) ایشان فرمودند، هیچ کس غیر از اوصیا نمی تواند ادعا کند تمام ظاهر و باطن قرآن در اختیار اوست.

همچنین در روایت صحیح دیگری السندی نقل می کند: «عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (قَالَ إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلَيَّ أَوْلْنَا وَ أَفْضَلْنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ)» (همان، ص ۲۸۷) از امام صادق (ع) سؤال شد منظور از من عنده علم الكتاب کیست؟ ایشان فرمودند: منظور ما هستیم و حضرت علی (ع) اولین ما و افضل ما و بهترین ما بعد از نبی بود. همان گونه که مشاهده می شود دلالت این روایت شریف صریح است.

کلینی در کتاب الحجته کافی بابی را با عنوان (ان الراسخين في العلم هم الاثمه) منعقد کرده و در آن روایاتی آورده است اولین روایت، که سندش نیز صحیح است. چنین آمده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ (قَالَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ » (صفار، ۱۳۶۲ ش - ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۳) از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: ما راسخان در علمیم و ما تأویل قرآن را می‌دانیم. منظور از (ما) به دلیل روایات بعدی همین باب اوصیای پیامبر (ص) (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۶۲) یعنی امام علی و امامان بعد از ایشان (همان ح ۳) است. معرفه بودن خیر، یعنی (الراسخون فی العلم) نیز دلیل حصر راسخان در علم در آنان است، زیرا اصل در خبر این است که نکره باشد و یکی از وجوه معرفه بودن آن دلالت بر حصر است (تفتازانی، ۱۳۶۹ ش، صص: ۶۷ و ۶۸) و مناسب‌ترین وجه در این جا همین است.

حضرت علی (ع) با استفاده از تعالیم رسول خدا (ص) به همه معارف آگاهی داشت و نسبت به تفسیر واقعی همه معانی و معارف آن توانا بود و در فهم و تفسیر آن از هرگونه خطا و هوایی مصون بود و بعد از رسول خدا ﷺ مفسر آگاه به همه معانی قرآن او است.

در کتب شیعه و سنی به سند متصل از رسول خدا (ص) روایت شده است: علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض. (ابطحی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶) حاکم نیشابوری و ذهبی از دانشمندان معروف اهل تسنن سند این حدیث را صحیح دانسته‌اند. (حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۲۴ -) روشن است که منظور جدا نشدن جسم علی از قرآن جسمانی نیست بلکه معنای روایت اینست که علی علیه السلام از نظر علم و عمل همیشه با قرآن است و دانش و کردار وی پیوسته مطابق با قرآنست.

معنای فقره دوم (قرآن با علی است) اینست که تمامی علوم و معارف قرآن نزد علی است زیرا اگر قسمتی از آن را علی نداند آن قسمت از علی جداست و این کلام نفی این احتمال می‌کند پس مدلول روایت این است که علی (علیه السلام) به همه معانی و معارف قرآن آگاه است و تا روز قیامت نیز این علوم برای ایشان باقی است و با فراموشی و امثال آن از حضرت جدا شدنی نیست، نظیر این روایت صدوق با سند صحیح و سندهای متعدد در خصال آورده است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۶)

حاکم حسکانی از اهل تسنن در کتاب شواهد التنزیل فصلی را در یگانه بودن علی در شناخت قرآن و معانی آن و علم به نزول و آنچه در آنست باز نموده است و در آن ۲۲ روایت را با سند متصل ذکر نموده است که برخی از ترجمه آنها را در اینجا می‌آوریم. از رسول خدا (ص) روایت کرده است: که فرمود: علی (علیه السلام)، بعد از من به مردم، آنچه از تأویل قرآن را که نمی‌دانند تعلیم می‌دهد. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۳۹)

روایت ذیل که حاکی از علاقه وافر حضرت علی (ع) به فراگیری معارف وحیانی و علوم قرآن کریم است با دو سند، از خود آن حضرت نقل کرده است: ما دخل نوم عینی ولا غمض راسی علی عهد محمد (ص) حتی علمت ذالک الیوم ما نزل به جبریل من حلال او حرام او سنه او کتاب او امر او نهی و فیمن نزل (همان ص ۴۳) در زمان حضرت محمد (هیچ گاه) خواب به چشمم وارد نشد مگر آن که هر چه از حلال یا حرام، سنت یا کتاب و امر یا نهی ای را که جبرئیل در آن روز نازل کرده و این که درباره چه چیز و چه کس نازل شده دانستم.

در روایت دیگری آمده است: والله ما نزلت آیه الا و قد علمت فیما نزلت و این نزلت و علی من نزلت ان ربی تعالی و هب لی قلباً عقولاً و لساناً طلقاً (همان ص ۴۵) که به خدا سوگند هیچ آیه ای نازل نشد مگر آن که دانستم در باره چه چیز و در کجا و بر چه کسی نازل شده است، همانا پروردگار به من قلبی عقول (با ادراک و چیز فهم) و زبانی فصیح و روان (و به نقل دیگر پر سؤال) عطا فرموده است.

سیوطی درباره علم امام علی (این چنین می گوید: «وَأما علیّ فروی عنه الكثير، وقد روی معمر عن وهب بن عبد الله عن أبي الطفيل قال: شهدت علياً يخطب وهو يقول: سلوني فوالله لا تسألون عن شيء إلا أخبرتكم، وسلوني عن كتاب الله فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم أبليل نزلت أم بنهار؟ أم في سهل أم في جبل؟ وأخرج أبو نعيم في الحلية عن ابن مسعود قال: إن القرآن أنزل على سبعة أحرف، ما منها حرف إلا وله ظهر وبطن، وإن علي بن أبي طالب عنده من الظاهر والباطن. وأخرج أيضاً عن طريق أبي بكر بن عياش عن نصير بن سليمان الأحمسي عن أبيه عن علي قال: والله ما نزلت آية إلا وقد علمت فيم أنزلت؟ إن ربی وهب لی قلباً عقولاً ولساناً سؤلأ.» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۴۹۳)

با توجه به این گونه روایات که بسیار است و در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست کمترین تریدی باقی نمی ماند که علی ابن ابی طالب علیه السلام دومین مفسر آگاه به همه معانی قرآن است که به ظاهر و باطن و تاویل و تنزیل آن آگاه بوده است و از خطا و نسیان نیز مصون بود است؛ و در تبیین کتاب خدا مقام جانشینی رسول خدا ﷺ را داراست و نسبت به تفسیر همه معانی و معارف قرآن توانا بوده است. حال سؤالی که پیش می آید اینست آیا علی علیه السلام با این مقام و جایگاه عظیم علمی همه معارف قرآن را برای مردم زمان خویش تبیین نموده است و همه آیات آنرا برای ایشان تفسیر نموده است و اصلاً آیا تفسیر مکتوبی داشته است؟ و چه مقدار از تفسیر ایشان به ما رسیده است اینها همه سؤالاتی است که نیاز به تحقیق جدی دارد اما در این مقام چون مجال پاسخ تفصیلی به این سؤالات نیست به پاسخ اجمالی نسبت به آن بسنده می کنیم.

همان‌گونه که گذشت بدون شک علی (علیه السلام) توان تفسیر تمامی حقایق و معارف قرآن را دارا بوده است و نسبت به سؤال تفسیری پاسخگو بوده است و به مقدار استعداد و صلاحیت و خواست مردم آن زمان قرآن کریم را برای آنها تفسیر نموده است.

صفار با سند متصل از یعقوب ابن جعفر روایت کرده است: (در مکه نزد ابوالحسن علی (علیه السلام) بودم. مردی به او گفت: همانا تو از کتاب خدا چیزی که نشنیده ای تفسیر می‌کنی؟ ابو الحسن علیه السلام فرمود (کتاب خدا) پیش از مردم بر ما نازل شده و پیش از آن که در میان مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است. ما حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و سفری (نازل شده در سفر) و حضری (نازل شده در وطن) آن را می‌شناسیم و (می‌دانیم) که در چه شبی چقدر آیه نازل شده و درباره چه کسی و چه چیزی نازل شده است...) (صفار، ۱۳۶۲ ش - ۱۴۰۴ ق، ص ۱۹۸)

در روایت دیگری آمده است: طلحه به امام علی (ع) گفت به من بگو آنچه از قرآن و تأویل آن و علم حلال و حرام را که نزد توست، به چه کسی می‌دهید و صاحب آن بعد از تو چه کسی است؟ فرمود: به کسی که رسول اکرم (فرمان داده به او بدهم. گفت: او کیست؟ فرمود: وصی من و سزاوارترین افراد به مردم، بعد از من، که پسر من حسن است. پسر من حسن هم در وقت رحلتش آن را به پسر دیگرم حسین می‌دهد. سپس به فرزندان حسین (ع) یکی پس از دیگری منتقل می‌شود تا اینکه آخرین آنان بر رسول اکرم (در کنار حوض آن حضرت وارد می‌شود. آنها با قرآن اند و قرآن نیز با آن هاست. از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن هم از آنان جدا نمی‌شود (مجلسی، ۱۹۸۳ م. ج ۲۶، ص ۶۵ و ج ۹۲، ص ۴۱) از این روایت روشن می‌شود که علوم امیر المومنین (به امامان بعد از وی یکی پس دیگری منتقل شده است و هر امامی بعد از خویش آنرا به امام بعد سپرده است. حال به توجه به این روایت روایاتی که دال است بر اینکه رسول اکرم (همه علوم و معارف قرآن را نزد علی علیه السلام به ودیعه گذاشته است معلوم می‌شود که امامان بعد از ایشان نیز به همه معارف قرآن آگاه بوده‌اند. ذیل روایت که در آن آمده است آنها با قرآن اند و قرآن نیز با آنها است از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از آنان جدا نمی‌شود مؤید و موکد همین معنا است. جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از آنان جدا نمی‌شود مؤید و موکد همین معنا است.

۲. علم پیامبر ﷺ

از منابع علوم امامان علیهم السلام، علم پیامبر (ص) است به این معنی که پیامبر اکرم (ص) تمام معارف و شرایع اسلام را به علی علیه السلام آموخت و طبق بعضی از روایات علی علیه السلام با خط خود در کتابی نوشت و این علم و آگاهی نسل در نسل به فرزندان علی علیه السلام یعنی امامان معصوم علیهم السلام رسید.

حضرت علی (ع) درباره گستره دانش رسول خدا (ص) می فرماید: (علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و ما هو کائن الی قیام الساعه) (صفار، ۱۳۶۲، ش - ۱۴۰۴، ق، ص ۱۲۷)
علم پیامبر مجموعه دانش های همه پیامبران است و آن حضرت از آن چه در گذشته روی داده و تا قیامت روی خواهد داد، آگاه است.

به فرموده امیرمومنان (ع) همه این علوم با همین گستره در عترت رسول خدا (ص) گرد آمده اندو آنان از این دانش های خدادادی بهره مندند.

(ان العلم الذی هبط به آدم و جمیع ما فضلت به النبیین الی خاتم النبیین فی عترته محمد) (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ق، ج ۱ ص ۳۳۲؛ بحرانی، ینابیع المعجز ص ۱۵-۱۴)

در حدیثی دیگر امیرمومنان چنین فرمود: (علم خدا بر دوگونه است: علمی که آن را برای خود برگزیده، هیچ پیامبر و فرشته ای را از آن آگاه نمی سازد و... علمی که آن را به فرشتگان می آموزد و آنان، در اختیار پیامبر و اهل بیتش می نهند و بزرگ و کوچک این خاندان تا قیامت از آن بهره می برند. (مجلسی، ۱۹۸۳، م، ج ۲۶، ص ۱۰۲)

رسول خدا (ص) آنچه را که می دانستند به وصی خود حضرت امیرالمومنین (ع) تعلیم نمودند: امیر المومنین (ع) در اواخر خطبه قاصعه می فرماید: (ولقد قرن الله به (ص) من لدن ان کان فطیما اعظم ملک من ملائکته سیک به طریق المکارم و محاسن اخلاق العالم لیله و نهاره. ولقد کنت اتبعه اتباع الفصیل اثر امه یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما ویامرنی بالاعتداء به. ولقد کان یجاور فی کل سنه بحراء فاراه و لا یراه غیری. ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله (ص) و خدیجه و انا ثالثهما. اری نورالوحی و الرساله و اشم ریح النبوه

ولقد سمعت رنه الشيطان حين نزل الوحي عليه (ص) فقلت: يا رسول الله ما هذه الرنه؟ فقال: هذا الشيطان ايس من عبادته. انك تسمع ما اسمع و ترى ما ارى الا انك لست بنبي ولكنك وزير و انك لعلی خیر. (دشتی، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۹۰)

و خداوند پیوسته با رسول خدا (ص) از آن هنگام که طفل بود و او را از شیر گرفتند، عظیم ترین فرشته از فرشتگان خود را همراه و همشین با او نمود تا او را در راه مکارم و کرامت های صفات حمیده و خلق و خوی پسندیده، راه ببردو محاسن اخلاق عالم و نیکوئیهای جهان را بدو بیاموزد و تعلیم کند. و این همراهی و هم صحبتی در همه اوقات رسول خدا بود، چه در شب های او و چه در روزهای او.

و من نیز حقا و تحقیقا عادت و روشم این بود که همیشه ملازم و پیرو و دنباله رو او بودم به مانند دنباله روی و پیروی که بچه شتر از شیر گرفته شده به دنبال مادر خود دارد که به هر جا که مادرش برود و بچرخد و حرکت کند او هم به دنبال او می رود. پیامبر در هر روزی برای من از اخلاق خودش نشانه ای را که نمونه محامد و محاسن شمیم و صفات نیکو بود، برمی افراشت و مرا نیز امر می فرمود که به وی اقتدا نمایم. و حقا و تحقیقا در هر سال مقداری از اوقات خود را در غار حرا می گذرانیدو مجاورت در آنجا را می گزید و فقط من از او خبر داشتم، او را می دیدم و هیچ کس غیر از من او را نمکی دید. و در آن روز هیچ خانه ای در دنیا نبود که براصل و اساس اسلام افرادی را در خود جای دهد و گردآورد، غیر از خانه ای که رسول خدا (ص) و خدیجه در آن گرد آمده بودند و من سومی آن دو نفر بودم. من نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم؛ و هر آینه تحقیقا من صدای ناله شیطان را در وقتی که وحی بر او فرود می آمد، می شنیدم و به او گفتم: ای رسول خدا این ناله، ناله کیست؟ و چیست؟ رسول خدا گفت: این شیطان است که مایوس شده است که مردم او را عبادت کنند، فلهداه ناله می زند، ای علی تو حقا می شنوی آنچه را که من می شنوم و می بینی آنچه را که من می بینم، فقط تفاوت در آن است که تو پیغمبر نیستی و وحی بر تو نازل نمی شود و لیکن تو وزیر من می باشی و حقا و تحقیقا تو برخیر و ممشای خوب و سعادت و فلاح هستی



در روایتی که از امام کاظم (ع) نقل شد، ائمه دارای علم ماضی هستند که علم ماضی بنا به سخن آن حضرت، علم مفسر است (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۲۶، ص ۶۰) و آن علمی است که قبلاً توسط رسول خدا تفسیر شده است.

روایات متعددی در این زمینه دیده می‌شود، از جمله در حدیثی ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که پیروان شما می‌گویند رسول اکرم (ص) یک باب از علم به علی علیه السلام آموخت که از آن هزار باب گشوده شد، امام فرمود: «قَالَ عَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ» (صفار، ۱۳۶۲ ش - ۱۴۰۴ ق، ص ۱۷۲) (رسول اکرم (ص) به علی علیه السلام هزار باب از علم آموخت (نه فقط یک باب) و از هر بابی هزار باب گشود شد).

روایات متعددی وجود دارد که دلالت می‌کند آن چه اهل بیت (نقل می‌کنند همه از، پیامبر اکرم (ص) است، چرا که آنان همه احادیث را به وسیله اجداد خود از پیامبر اکرم (ص) شنیده اند. در نتیجه علوم آنان از رسول خدا (ص) می‌باشد، برخی از آن روایات عبارتند از:

از امام صادق (ع) سؤال شد: «أَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَلَا أَدْرِي مِنْكَ سَمَاعُهُ مِنْكَ أَوْ مِنْ أَيْبِكَ قَالَ (مَا سَمِعْتَهُ مِنِّي فَارُوهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ)» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۲ ص ۱۶۱)

حدیث و سخنی را می‌شنوم نمیدانم شنیدن آن از تو است یا از پدرت (چه کنم)؟ فرمود: آنچه (هر حدیث و سخنی) را از من شنیدی آن را از رسول خدا ﷺ روایت نموده و نقل کن (زیرا آنچه را من یا پدرم گفته و می‌گوییم رسول خدا (ص) فرموده است).

بنابر این روایات به دست می‌آید که ائمه معصومین علیهم السلام هر آنچه نقل می‌کنند از نزد خودشان نبوده و همه از یک سرچشمه جوشیده اند.

۳. جفر و جامعه

یکی از منابع علوم اهل بیت (ع) مطابق روایات جفر و جامعه است منظور از جفر مخزنی از چرم است که علم پیامبران و اوصیاء آنها و دانش دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن ثبت شده است. است، و منظور از جامعه طومار با املائی پیامبر (ص) و خط علی (ع) نوشته شده است. که در اینجا برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است می‌پردازیم:

۱- ای ابوبصیر! ان عندنا الجماعة ... قلت جعلت فداك و ما الجماعة؟ قال صحيفة طولها سبعون ذراعاً بذراع رسول الله ﷺ املاؤه، من فلق فيه، وخط علی بیمینه فیها كل حلال و حرام و كل شیء یحتاج الناس الیه حتی الارش فی الخدش.

فرمود: جامعه، در نزد ما است، عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود: طوماری است که در طول آن هفتاد ذراع رسول خدا (ص) بود، واز دهان مبارکش املاء کرد و علی (ع) به دست خودش نوشت، هر

حلال و حرامی در آن است و هر چیزی که مردم (تا دامنه قیامت) به آن نیاز دارند در وجود دارد، حتی دیه یک خراش بر بدن. (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۳۹)

همچنین امام صادق (می فرماید: جامعه نزد ما است: املائی پیامبر اکرم (ص) است که از دو لب شریفش بیرون آمده و علی آنرا به دست خود نوشته است حلالها و حرامها و هر چه را مردم به آن نیاز داشته باشند در آن است (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱ ص ۲۴۱) روایتی که از محمد ابن حرمان از سلمان ابن خالد نقل شده می گوید: از امام جعفر صادق (شنیدم فرمود: نزد ما صحیفه ای است که (جامعه) گفته می شود، هیچ حلال و حرام نیست مگر آنکه در آن صحیفه ذکر شده، حتی دیه خراشی که بر بدن می افتد. (صفار، ۱۳۶۲ ش - ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۴)

۴. علم ائمه علیهم السلام به کتب انبیاء پیشین

در اینکه وجود تمام کتب آسمانی و آثار و علوم پیامبران نزد ائمه (ع) هدی است هیچ شک و تردیدی نیست. تمام کتب آسمانی و علوم و آثار و آیات انبیاء و مرسلین از جمله صحف آدم و ادیس (ع) و ابراهیم (ع) تورات موسی (ع) انجیل عیسی (ع) زبور داود (ع) و هر چه غیر آن داشتند. همه نزد پیامبر گرامی (ص) ما جمع بوده و از آن حضرت به ائمه هدی علیهم السلام رسیده است در این باره احادیث بسیار است برخی آنها را یاد آوری می شویم.

روایت است که اُسامه بن زید و أبو رافع در ضمن خبری بیان کرده اند که: جبرائیل علیه السلام بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد و گفت: یا محمد، هان اینک من تو را بشارت می دهم به گنجینه پنهانی برای ذریه تو و داستان تورات را برای آن حضرت بیان کرد که: جماعتی از اهل یمن آن را میان دو سنگ سیاه یافته اند و نام آن جماعت را برای رسول الله برد. چون آن جماعت یمنی بر رسول خدا وارد شدند پیامبر به آنها گفت: همینطور که هستید بدون هیچ سخنی بوده باشید تا من شما را از نامهایتان و نامهای پدرانتان خبردار کنم و شما تورات را پیدا کرده اید و آن را با خودتان آورده اید. آن جماعت یمنی، تورات را به رسول خدا تسلیم کردند و اسلام آوردند. پیغمبر اکرم (ص) تورات را نزد سرش گذارد و خداوند را به اسم خودش خواند، تورات به زبان عربی درآمد. پیامبر آن را گشود و نظری فرمود و آن را به علی بن ابیطالب علیه السلام داد و به او گفت: «هَذَا ذِكْرُ لَكَ وَ لِدْرِيَّتِكَ مِنْ بَعْدِي» (این پس از من، ذکری است برای تو و رای ذریه تو). (خوارزمی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۵۴)

این خود می‌تواند دلیلی بر علم حضرت به تورات باشد. گذشته بر اینکه در بحث گستره علم اهل بیت علیهم السلام آوردیم که پیامبر اکرم (ص) در لحظات آخر عمر شریفشان تمام علوم مکنون در سینه مطهرشان را به علی علیه السلام منتقل نمودند.

در دسته‌ای از روایات هم خود ائمه علیهم السلام به بیان این حقیقت پرداخته‌اند که ما اهل بیت به تمام حقایق و معارف کتب آسمانی پیشین عالم هستیم که ما به بیان دو روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم.

در روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در محضر مهاجرین و انصار، و اشاره به سینه خود نمود و فرمود:

«كَيْفَ مَلِيَّ عِلْمًا؟ لَوْ وَجَدْتُ لَهُ طَالِبًا. سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي. هَذَا سَفْطُ الْعِلْمِ. هَذَا لُعَابُ رَسُولِ اللَّهِ، هَذَا مَا زَقَنِي رَسُولُ اللَّهِ زَقًا. فَاسْأَلُونِي فَإِنَّ عِنْدِي عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. أَمَا وَاللَّهِ لَوْ ثَبَّتَ لِي الْوِسَادَةُ ثُمَّ أَجْلَسْتُ عَلَيْهِمَا، لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ، وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِفُرْقَانِهِمْ، حَتَّى يُنَادِيَ كُلُّ كِتَابٍ بِأَنَّ عَلِيًّا حَكَمَ فِيَّ بِحُكْمِ اللَّهِ فِيَّ. ثُمَّ قَالَ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسْمَةَ، لَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ آيَةٍ فِي لَيْلَةٍ أَنْزَلْتُ أَوْ فِي نَهَارٍ أَنْزَلْتُ؟ مَكِّيَّهَا وَ مَدِينِيَّهَا؟ وَ سَفَرِيَّهَا وَ حَضْرِيَّهَا؟ نَاسِخِيَّهَا وَ مَنسُوخِيَّهَا؟ وَ مُحْكَمِيَّهَا وَ مَتَشَابِهِيَّهَا؟ وَ تَأْوِيلِيَّهَا وَ تَنْزِيلِيَّهَا؟ لَاخْبَرْتُكُمْ» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۴۰، ص ۱۵۳)

(ببینید این سینه چگونه سرشار از علم شده است؟ ای کاش من برای این علوم طالبی را می‌یافتم. بپرسید از من قبل از آنکه مرا نیابید. این سَفَطِ علم است. این لُعَابِ دهان رسول الله است. این همان علمی است که رسول خدا مانند مرغی که با منقار خود به دهان بچه‌اش غذا می‌گذارد به دهان من نهاده است. هر چه می‌خواهید از من بپرسید، زیرا که در من علم اولین و آخرین است. هان آگاه باشید که قسم به خداوند، اگر مرا در مرکز حکومت قرار دهند و مرا بر فراز مسند حکم بنشانند، هر آینه من در میان اهل تورات با توراتشان و در میان اهل انجیل با انجیلشان و در میان اهل زبور با زبورشان و در میان اهل فرقان با فرقانشان حکم می‌کنم به طوری که هر کتابی با صدای بلند فریاد برآورد که علی در باره من به حکم خدا درباره من حکم کرده است. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: پرسید از من پیش از آنکه مرا نیابید، زیرا سوگند به آن خداوند که دانه را در دل زمین شکافت و جان و روح را بیافرید، اگر شما از یک یک آیات قرآن بپرسید که آیا در شب نازل شده است یا در روز نازل شده است؟ آنچه در مکه نازل شده است کدام است؟ و آنچه در مدینه نازل شده است کدام است؟ آنچه در سفر نازل شده و آنکه در

حضر نازل شده کدام است؟ ناسخش کدام و منسوخش کدام است؟ و محکم آن کدام و متشابه آن کدام است؟ و باطن و مرجع مفاد آن کدام و ظاهر و معنی و مفهوم آن کدام است؟ من شما را از این مسائل خبردار می‌کنم).

این روایت دلالت می‌کند که امام علی (ع) به کتب انبیاء پیشین و تمام معارف قرآن آگاه است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ وَ إِنْ مُحَمَّدًا وَرِثَ سُلَيْمَانَ وَ إِنْنا وَرِثْنَا مُحَمَّدًا وَ إِنْ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ تَبْيَانِ مَا فِي الْأَلْوَاحِ قَالَ قُلْتُ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ قَالَ لَيْسَ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي يَحْدُثُ يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ وَ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ». (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۲۵)

(به راستی سلیمان از داود ارث برد و محمد (ص) از سلیمان ارث برد ند ما وارث محمد (ص) هستیم و در پیش ما است علم تورات، انجیل و زبور و شرح آن‌چه در الواح است (الواح نازله بر موسی (ع) می‌گوید گفتیم: به راستی این علم است: فرمودند: این علم نهایی نیست، علم کامل آن است که روز به روز و ساعت به ساعت پدید می‌شود).

مضمون این احادیث آن است که تمامی کتاب‌های آسمانی نزد ائمه علیهم السلام است و آنها آن کتب را با اختلاف زبانی که دارند، می‌خوانند. در آن کتاب‌ها علم آغاز و انجام، گذشته و حال و علم احکام و رویدادها و مرگها و مصیبتها و هر چیز دیگری وجود دارد.

۵. صحیفه مخصوص هر امام علیه السلام

هریک از امامان (صحیفه مخصوص به خود دارد که وظایف اختصاصی و برنامه‌هایی را که باید پیاده کند و رسالتی را که باید به عهده بگیرد، در آن درج شده و سرنوشت او در آن معین گردیده که هر زمان به درجه رفیع امامت برسد، وظیفه دارد که آن را گشوده و به آنچه در آن نوشته و نگاشته شده عمل نماید و به سرنوشتی که برای وی تعیین گردیده تسلیم باشد چنانکه از روایات بر می‌آید، دربرخی از روایات تصریح شده که رسول خدا (ص) آن صحیفه‌ها را در حضور جبرئیل به امیرالمومنین (ع) مرحمت فرموده و دستور دادند که آنها را گشوده و بخوانند، و سپس از آگاهی کامل به مضمون آن از آن حضرت در خصوص صحیفه‌ها، با صحیفه‌های مخصوص خود، عهد و میثاق گرفته، سپس حضرت زهرا (س) امام حسن و امام حسین (ع) را بدان آگاه فرموده و وظایف و سرنوشت هر یک از آنها را بدانها بازگو کرده و از هر یک از اوصیاء حاضر جداگانه عهد و میثاق گرفته، سپس صحیفه‌های مذکور را با مهر زرینی که جبرئیل با خود آورده بود مهر نموده، و صحیفه‌ها و مهر را به علی سپرده که هر یک از امامان در زمانیکه به امامت می‌رسد، صحیفه



مخصوص به خود را گشوده و بدانچه در آن نوشته عمل فرماید و به سرنوشت تعیین شده در آن تسلیم باشد. (کوه کمره ای، ۱۳۹۷ ق، ص ۳۰۸)

چنانکه عبد الله بن عبد الرحمن از ابی عبدالله بزاز واو از حریر نقل می‌کند که به امام جعفر صادق (ع) گفتم جانم فدای شما باد چقدر زندگی شما اهل بیت کم است و مرگ‌های شما یکی به یکی نزدیکتر با اینکه مردم به شما نیاز دارند. قال عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«...إِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنَّا صَحِيفَةً فِيهَا مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أَنْ يَعْمَلَ بِهِ فِي مَدَّتِهِ فَإِذَا انْقَضَى مَا فِيهَا مِمَّا أُمِرَ بِهِ عَرَفَ أَنْ أَجَلَهُ قَدْ حَضَرَ...» (کلینی؛ ۱۳۶۳ ش، ج ۱ ص ۲۸۳)

هرکدام از ما کتابی داریم که در آن هرآنچه که به آن نیاز داریم وجود دارد، پس به آن عمل می‌کنیم. پس وقتی اوامر موجود در آن کتاب تمام شد می‌فهمیم که اجلمان نزدیک است.

۶. فرشتگان

شیعه معتقد است ملائکه فقط با انبیاء و رسولان سخن نگفته اند، بلکه با امام و حضرت فاطمه (س) نیز حرف زده اند. این امر ممکن است، زیر در قرآن آیاتی داریم که می‌گوید نزول وحی، مختص پیامبران نیست و خداوند یا فرشتگان بایش سخن گفته اند. از جمله این اشخاص، مریم، مادر حضرت عیسی (ع) است. در قرآن می‌خوانیم:

«وَاذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ...»؛ (آل عمران / ۴۲ و ۴۵)

و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند؛ ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است ... به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را به کلمه ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح - عیسی پسر مریم - است ...
همچنین در قرآن می‌خوانیم:

«فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا قَالَتْ أِنِّي اِعْوِذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا...»؛ (مریم / ۱۷ - ۲۱)

در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم.

گفت: من فرستاده پروردگار توأم ...

از دیگر کسانی که فرشتگان با آنان سخن گفته اند. ساره - زن حضرت ابراهیم - است. که در قرآن (هود / ۷۱ - ۷۷) ذکر آن به میان آمده است.

بنابراین هیچ گونه ملازمه ای میان وحی و نبوت نیست؛ یعنی ممکن است فرشتگان با کسی سخن گویند و بر او وحی نازل کنند که پیامبر نیست. امام صادق (ع) می فرماید:

«سمیت فاطمة محدثه، لان الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها، كما كانت تنادي مريم بنت عمران؛

از آن رو به فاطمه، «محدثه» گفته شده که فرشتگان از آسمان پایین می آمدند و با او سخن می گفتند، همچنان که با مریم - دختر عمران - سخن می گفتند.» (طبری، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۴)

در احادیث دیگر آمده است: ملائکه با امام نیز سخن می گفتند.

امام جواد روایت می کند که امیر مومنان به ابن عباس فرمود:

«انا و احد عشر من صلیی محدثون؛ با من و یازده فرزندم، فرشتگان سخن گفته اند.» (حلبی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۳۲)

۷. پیشوای پیشین

از منابع تعلیمی ائمه (ع) دریافت علوم از معصوم قبل است؛ که در این ارتباط حضرت علی (ع) هنگام راز گشایی از امور نهائی و غیبی، بارها بر این حقیقت پاک می فشارد که این آگاهی را از رسول خدا (ص) به دست آورده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۷) در این جا برای نمونه، به دو حکایت اشاره می کنیم:

در روایتی، امام علی (ع) در گفتاری به یادماندنی، آمادگی خود را برای پاسخ به مشکلات علمی جامعه اعلام می کند:

از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید. به خدا قسم، نمی پرسید از گروهی که صد تن را به راه راست می خواند و صد تن دیگر را گمراه سازد، جز آن که شما را آگاه می کنیم از آن کس که مردم را بدان می خواند و آن که آنان را می راند.

در این هنگام، یکی از حاضران از روی طعن و استهزا از شمار موهای سر و صورت خود پرسید. امام در پاسخ فرمود:

به خدا قسم، حبیبم (پیامبر) به من خبر داده است که بر هر دسته از موهایت فرشته ای گمارده شده است که تو را لعنت می کند و... در خانه ات فرزندی است که پسر رسول خدا را می کشد. (در برخی از نقل ها، این جملات نیز بر پاسخ امام افزوده شده است. (به خدا قسم، من شمار موهایت را می دانم؛ اما اگر بگویم، تو چگونه می توانی به درستی گفتارم پی ببری؟) (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶ ق، ج ۱۰، ص ۱۴)



این فرزند، کسی نبود جز سنان بن انس نخعی که او در به شهادت رساندن امام حسین (ع) سهمی چشم گیر داشت. (همان، ج ۲، ص ۲۸۶)

نیز نقل است یکی از یاران امام علی (ع) پس از شنیدن پیش گویی های آن حضرت، شگفت زده، پرسید: (ای امیرمؤمنان، تو را علم غیب داده اند؟) امام در پاسخ فرمود:

این، علم غیب نیست؛ علمی است که از دارنده علم آموخته ام. علم غیب، علم قیامت است و آن چه خدا در گفته خود شمرده است که ان الله عنده علم الساعة...

پس این علم غیب است که جز خدا کسی آن را نداند و جز این، علمی است که خدا آن را به پیامبرش آموخته و او نیز مرا آموخته و دعا کرده است که سینه من آن را فراگیرد و دلم آن علم را در خود پذیرد. (دشتی، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۲۸، ص ۱۲۷)

۸. صحیفه حضرت علی (ع)

همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که رسول الله (ص) و به امام علی (ع) توجهی ویژه داشت و از ابتدا سرپرست ایشان بود. این اهتمام به دستور خداوند و به منظور آماده ساختن ایشان برای امامت و سرپرستی امت بوده. ابونعیم الحافظ الشافعی (م ۴۳۰ هـ) چنین روایت کرده است:

«یا علی، ان الله عزوجل امرنی ان ادنیک و اعلمک لتعی و انزلت هذه الآیة «و تعیها اذن واعیة» و انت اذن واعیة للعلم؛

رسول الله فرمود: ای علی، خداوند عز و جل - به من دستور داد تو را نزد خود نگه دارم و آموزش دهم تا بدانی؛ و این آیه نازل شد: «گوش های شنوا قرآن را دریابند و بفهمند.» تو گوش شنوای دانش هستی.» (اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷)

علی (ع) به برکت سرپرستی و آموزش پیامبر (ص) آگاه ترین فرد - پس از رسول الله - شد. رسول اکرم در این باره فرمود:

«اعلم امتی بعدی علی ابن ابی طالب؛ پس از من آگاه ترین شخص در امتم علی ابن ابی طالب است.» (اربلی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۱۱۳)

تمام کسانی که می خواستند از دانش پیامبر بهره گیرند، می دانستند همان علوم را می توانند از علی (ع) بیاموزند: زیرا پیامبر فرمود:

«انا مدینة العلم و علی بابها؛ من شهر علم هستم و علی دروازه آن است.» (ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۳۷)

بنابر این طبیعی است رسول الله کار مهم جمع آوری قرآن را به او بسپارد. بر اساس روایات، هنگامی که پیامبر در حال احتضار بود، به علی (ع) فرمود:

«یا علی! القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القراطیس فخذوه و اجمعوه و لا تضيعوه کما ضیعت الیهود التوراة؛

ای علی، قرآن میان قطعه ها و برگ هایی کنار رختخواب من است؛ آن ها را برداشته، در یک جا گردآورید و ضایع نکنید، چنان که یهود و تورات را ضایع کردند.»

علی (ع) برگ ها را در پارچه ای زرد نهاده، در خانه اش گذاشت و مهر کرد و فرمود: ردا بر دوش نمی اندازم تا زمانی که قرآن را گردآورم. از آن پس امام بی آن که عبا بر دوش اندازد، با میهمانانش رو به رو می شد تا هنگامی که قرآن را جمع آوری کرد. (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۹۲، ص ۴۳؛ حسن صدر، ۱۴۳۸ ق، ص ۳۱۶)

بخشی از ویژگی های مصحف امام عبارت است از:

الف. ترتیب آیات بر اساس نزول

ابن حجر می گوید: «علی قرآن را به ترتیب نزول آیات پس از وفات پیامبر جمع آوری کرد» (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۹)

ب. تقدیم منسوخ بر ناسخ

شیخ مفید در کتاب المسائل السرویه می گوید:

«امیر مومنان قرآن نازل شده را - از اول تا آخر- جمع آوری کرد و آن را به گونه ای که می بایست، مرتب ساخت. او آیات مکی را به مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم کرد.» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۹۲، ص ۷۴)

ج. تفکیک محکم و متشابه

در مصحف امام علی محکمت و متشابهات مشخص شده بود (عاملی، ۱۹۹۲ م، ص ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۳۳۳)

«علی (ع) قرآن را به ترتیب نزول جمع کرد و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و مطلق و مقید و محکم و متشابه و عزیزت و رخصت و سنت و آداب و سبب نزول هر آیه را بیان کرد و دشواری هایش را توضیح داد ... قرآن جمع آوری شده توسط امیر مومنان به تفسیر شبیه تر است.» (عاملی، المراجعات، ص ۴۱۱)

د. در بردارنده نام اهل حق و باطل

در این مصحف آیاتی که درباره کافران، مشرکات و منافقان است، با نام اشخاص همراه است. این مصحف در اختیار امام رضا (ع) بود. امام آن را به «ابن ابی نصر بزنتی» امانت داد. «بزنتی» مصحف را گشود و نام هفتاد نام از قریش را در تفسیر آیه «لم یکن الذین کفروا» (بینه ۹۸) آیه ۱) دید. وقتی امام از این امر آگاه شد، کتاب را از «بزنتی» پس گرفت (کاشانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۶۳)

۹. صحیفه حضرت زهراء (س)

از دیگر منابع تعلیمی ائمه (ع) دسترسی آنها به مصحف حضرت زهرا (س) می باشد. محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (ع) روایت می کند: (و خلفت فاطمه مصحفا ما هو قرآن: فاطمه مصحفی از خود به جا گذاشت، {اما امام می افزاید} که قرآن نیست.) (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۲۶ ح ۷۳)

علی بن سعید از امام صادق (ع) روایت می کند: (و عندنا والله مصحف فاطمه ما فیه آیه من کتاب الله: به خدا سوگند، مصحف فاطمه نزد ماست {وامام می افزاید} و در آن حتی یک آیه از کتاب الله نیست) (همان، ج ۲۷، ص ۲۷۱، ح ۳) امام صادق (ع) می فرماید: (فیه مثل قرآنکم هذا ثلاث مرات: در آن {مصحف} سه برابر این قرآن، مطلب هست.) (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲ ص ۶۱۳؛ مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۲۶ ص ۳۹ ح ۱۰)

نتیجه

با توجه به یافته های تحقیق حاضر و کنکاش در احادیث صحیح السند یکی از منابع تعلیمی و حسی ائمه (ع) قرآن مجید می باشد و رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و امامان بعد از ایشان تنها مفسران آگاه به همه معانی و معارف قرآن بوده اند. دومین منبع از منابع حسی، علم پیامبر (ص) می باشد بدین معنی که پیامبر اکرم (ص) تمام معارف و شرایع اسلام را به علی (ع) آموخت و طبق برخی روایات حضرت علی (ع) با خط خود در کتابی نوشت و این علم و آگاهی نسل در نسل به فرزندان علی (ع) یعنی امامان معصوم رسید.

از دیگر منابع تعلیمی و حسی علوم اهل بیت (ع) مطابق با روایات جفر و جامعه است، منظور از جفر مخزنی از چرم است که علم پیامبران و اوصیاء آنها و دانش دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن ثبت شده است؛ و منظور از جامعه طومار با املائی پیامبر (ص) و خط علی (ع) نوشته شده است.

یکی دیگر از منابعی که می توان نام برد کتب آسمانی گذشته و علوم و آثار و آیات انبیاء و مرسلین می باشد که همه آنها نزد پیامبر گرامی (ص) جمع بوده و از آن حضرت به ائمه هدی (ع) رسیده است.

همچنین هر یک از امامان (ع) صحیفه مخصوص به خود دارند که وظایف اختصاصی و برنامه هایی را که باید پیاده کند در آن درج شده است. می توان به عنوان منبع تعلیمی یاد کرد. از دیگر منابع تعلیمی و حسی ائمه (ع)، مصحف حضرت علی (ع) و مصحف حضرت فاطمه (س) می باشد. مصحف حضرت علی (ع) (قرآن جمع آوری شده توسط ایشان) به تصریح بسیاری از منابع شیعه، به نوبت و بر اساس توارث، در دست ائمه (ع) بوده و اکنون نزد امام دوازدهم (ع) است و همچنین مصحف حضرت فاطمه (س)، مجموعه ای آکنده از حقایق الهی است که پیک ربانی آنها را بر حضرت فاطمه قرائت کرده و امیرمؤمنان آن را نوشته و پس از حضرت علی (ع) نزد فرزندانش (امامان شیعه) به میراث مانده و اکنون نزد امام دوازدهم است

فهرست منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه

۱. ابطحی، محمد باقر موحد، جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الاطهار (ع)، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۳۶۹ ش.
۲. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۳۸۶ ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۴. اربلی، علی ابن عیسی، كشف الغمه فی معرفة الائمه، مكتبه بنی هاشم، تبریز ۱۳۸۱ ش.
۵. اصفهانی، ابو نعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بيروت، دارالكتاب العربی، (بی تا)
۶. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بيروت: دار التعارف للمطبوعات ۱۴۰۶ ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، ینابیع المعاجز، قم، دار الکتب العلمیه، {بی تا}
۸. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، اول، تهران، مؤسسه بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تخريج صدقی جمیل العطار، بيروت، دار الفکر، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المختصر علی تلخیص المفتاح، قم، دارالحکمه، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بيروت دارالمعرفة، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. حاکم حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، قم، الهادی، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب، قم، دفتر انتشارات جامعه المدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بيروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول ۱۴۲۱ ق.
۱۷. شرف الدین، عبد الحسین، حق جو وحق شناس، ترجمه المراجعات، مترجم، استاد محمد جعفرامامی، گزینش و باز نویسی علی اصغر مروج خراسانی، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ، سوم، ۱۳۷۶، ش.



۱۸. صدر، سيد حسن، تأسيس الشيعة الكرام لعلوم الاسلام، قم، مؤسسه تراث الشيعة، ۱۴۳۸ ق.
۱۹. صدوق، على بن محمد بن بابويه قمى، كتاب الخصال، تصحيح و تعليق: غفارى، على اكبر، قم: منشورات جامع مدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الكبرى فى فضائل آل محمد (ع)، تهران، منشورات الاعلمى، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، قم مكتبه الحيدريه ۱۴۲۴ ق.
۲۲. طبرى، ابو جعفر محمد، دلائل الامامه، به كوشش دراسات الاسلاميه، اول، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. عاملى، جعفر مرتضى، حقائق هامه، دارالصفوه، بيروت، ۱۹۹۲ م.
۲۴. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. كوه كمره اى، سيد حسن الحجته، ولايت و علم امام (ع)، قم، انتشارات امير كبير ۱۳۹۷ ق.
۲۶. كاشانى، ملا محسن، المحججه البيضاء، مؤسسه اعلمى، بيروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
۲۸. مفيد محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.

